



دین در سال ۱۹۴۸ اینطور خود و زندگی‌اش را شرح می‌دهد؛
«همیشه زندگی با استعدادی داشتم. ویولن می‌نواختم،
در کنسرت‌ها شرکت می‌کردم، روی صحنه‌های تئاتر
موزیکال می‌رقصیدم، اما از همه مهم‌تر، هنر را دوست دارم،
ساختن و خلق کردن با دستانم. [...] من رقص و ویولن را
از دست دادم، اما هنر را نه. فکر می‌کنم زندگی‌ام به هنر و
درام اختصاص خواهد یافت. و در هنر زمینه‌های مختلفی
وجود دارد که سخت است خرابش کنم، و اگر هم خراب کنم،
کارهای زیادی برای انجام دادن هست — کشاورزی، ورزش،
علم، زمین‌شناسی، مربی‌گری، تدریس موسیقی. من این را
دارم و می‌دانم اگر خودم را بهتر کنم، هیچ چیز نمی‌تواند با
من رقابت کند. یک فرد باید اعتماد به نفس داشته باشد.»